

چکیده

با عنایت به شیوه‌های متفاوت یک بانک اسلامی نسبت به بانک‌های دیگر در جذب و مصرف منابع مالی، حالات و ویژگی‌های اختصاصی و منحصر به فردی در مطالعه این‌گونه بانک‌ها مشاهده می‌شود و ریسک نیز به عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث و ارکان فعالیت‌های مالی، مشمول این قاعده است. مؤسسات مالی با طیف گسترده‌ای از ریسک‌ها مواجهند که آنها را در عمل کردن به تعهدات خود با مشکل روبرو می‌سازد، ناتوانی در بازپرداخت سپرده سرمایه‌گذاران که اخبار آن به سرعت منتشر شده و با ایجاد موجی از نگرانی، صاحبان حساب‌ها را به خارج کردن موجودی‌هایشان ترغیب می‌کند، می‌تواند مقدمات ورشکستگی یک بانک را فراهم آورد. از این‌رو طبق توصیه‌های کمیته بال باید تدابیری اتخاذ شود تا پرتفوی دارایی‌ها و تعهدات بانک از ریسک معقولی برخوردار باشد. بانک‌های اسلامی در این میان از ریسک مضاعفی نسبت به نظام رقیب برخوردارند. به نظر می‌رسد تفکر اقتصاد اسلامی رابطه برنده-بازنده را نمی‌پذیرد و طرفین را به شیوه‌ای از رفتار اقتصادی فرا می‌خواند که ضمن سهیم بودن در منافع آن، هر دو طرف مسوولیت زیان‌های احتمالی را بپذیرند. این نگرش در کلیه قراردادهای اسلامی که ابزار کار بانک‌های اسلامی است و اساساً عقود فقهی هستند قابل ملاحظه است. بنابراین، می‌توان گفت از نظر تئوری یک بانک اسلامی امکان واگذار نمودن ریسک هیچ‌یک از فعالیت‌های خود را به طرف مقابل ندارد و در مجموع سید آن می‌تواند از ریسک بالاتری نسبت به بانک‌های رقیب برخوردار باشد. این مساله لزوم اداره هر چه مدبرانه‌تر مجموعه دارایی‌ها و تعهدات و کنترل حجم بهینه دارایی‌های پرریسک‌تر را گوشزد می‌کند. مقاله حاضر ریسک متناظر با شیوه‌های تأمین و مصرف وجوه مالی رایج در بانک‌های اسلامی را بررسی می‌نماید و در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان ریسک این روش‌ها را مدیریت نمود، به معرفی و به‌کارگیری سیستم رتبه‌بندی داخلی (IRS) اقدام می‌کند. سیستم IRS مجموعه قواعدی است که کمیته بال، آن را با هدف کنترل ریسک نهادهای مالی تدوین نموده است. به‌موجب این قواعد دارایی‌های درون پرتفولیو با ریسک‌شان وزن‌دهی گردیده و آنگاه نسبت به نگهداری ذخیره سرمایه متناسب با آن اقدام می‌شود. از دیدگاه نویسندگان این مقاله روش توزین ریسک دارایی‌ها می‌تواند مناسب‌ترین یا شاید تنها راه کار قاعده‌مند برای طبقه‌بندی قراردادهای مورد استفاده یک بانک اسلامی بوده و آن را در کنترل و اداره ریسک مجموعه‌اش که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است، یاری رساند.

کلمات کلیدی: بانکداری اسلامی، ریسک، سیستم رتبه‌بندی داخلی

مقدمه

از آغاز فعالیت اولین نهادهای مالی اسلامی که با هدف ارایه الگوی جایگزین شیوه‌های مرسوم و فراهم آوردن فرصت‌های مالی، تجاری و سرمایه‌گذاری منطبق با شریعت پایه‌گذاری شدند، بیش از سه دهه می‌گذرد. امروزه اشکال متنوع این مؤسسات شامل مؤسسات رتبه‌بندی اسلامی، بازارهای پول و سرمایه و کمیته‌های تنظیم قوانین خدمات مالی اسلامی در نقاط مختلف جهان فعال هستند و گسترش آنها به‌نحوی است که از مرزهای ممالک اسلامی فراتر رفته و حتی برخی مؤسسات معتبر غربی هم به فکر ایجاد یا ارایه بخشی از خدمات این‌گونه مؤسسات افتاده‌اند. گرچه جذابیت‌ها و نوآوری‌های همراه و برخاسته از ماهیت این مؤسسات و داد و ستدهایشان می‌تواند عاملی برای این اتفاق میمون باشد، اما بدون تردید اصلی‌ترین دلیل آن، جمعیت قابل توجه و سرمایه‌های عظیم در اختیار مسلمانان است که چشم‌پوشی از این بازار را نابخردانه می‌نماید. قریب به ۱/۵ میلیارد نفر از ساکنان زمین بر خود مناسب‌تر می‌دانند تا به راحتی از کنار مزایا و پاداش‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات مالی غیراسلامی عبور کنند، اما موجبات ناخشنودی الهی را فراهم نیاورند. در عوض این مشتریان ثروتمند و تأثیرگذار، با ترجیح عقود و قراردادهای اسلامی در داد و ستدهایی وارد می‌شوند که ریسک‌پذیری، جزو ذاتی آن است.

تضمین اصل سرمایه به‌همراه میزان معینی از سود و کسب درآمد بدون شرکت در فعالیت‌های مولد اقتصادی و غیره از جمله مواردی است که مورد پذیرش شارع نبوده و در نتیجه مسلمانان را به ابداع و توسعه نظام‌ها و نهادهای موردنظر شرع تشویق نموده است که همراه‌بودن این اقدامات با توفیقات گسترده و استقبال سرمایه‌گذاران مسلمان از این نهادها موجب گسترش این سازمان‌ها و سازوکار آنها تا آن‌سوی آب‌های آتلانتیک گردیده است.

توفیق نهادهای نوپای اسلامی در شرایطی است که قلمرو مؤسسات مالی با مسائلی همچون جهانی سازی و انقلاب IT، ادغام‌ها و ائتلاف‌های گسترده و غیره از مرزهای ملی فراتر رفته و این مؤسسات می‌کوشند تا با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و نوآوری‌ها در عرصه مدیریت ریسک و مهندسی مالی، خدمات مالی را با کمترین میزان ریسک ممکن در اختیار مشتریان خود گذارند تا از میدان رقابت باز نمانند. ادامه رشد و توسعه مؤسسات اسلامی بدون تردید در گرو اهتمام جدی‌تر به مواردی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند بالقوه تهدیدکننده باشد. یقیناً مبحث ریسک یکی از این حوزه‌ها است که شکاف پژوهش‌ها و دستاوردها در آن در مقایسه با رقیب دیرینه، ملموس و آزاردهنده است. البته ریسک‌محوری و طرد رابط برد- باخت، جزئی از

فعالیت‌های اقتصادی در اسلام است و این مسأله، مطالعات ریسک را با دشواری و پیچیدگی همراه می‌سازد، اما به هر حال لازم است تا استانداردها و شیوه‌های قابل قبول و مؤثری برای کنترل و مدیریت ریسک دارایی‌ها و تعهدات در نظام مالی اسلامی اندیشیده و طراحی شود. با وجود اینکه بسیاری از شیوه‌های معمول و رایج مدیریت ریسک نیز همانند دیگر رویه‌های رایج نظام‌های مالی غرب با شرع ناهمخوانی دارد، برخی شیوه‌ها، استانداردها و توصیه‌های نهادهای مالی نظام رقیب از بار ارزشی خالی بوده و قابلیت استفاده در کلیه نظام‌ها را فارغ از اسلامی یا غیراسلامی بودن دارند که IRS یا سیستم رتبه‌بندی داخلی از این جمله است. مقاله حاضر که با استفاده از شیوه پژوهش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایگاه‌های اینترنتی معتبر نگاشته شده است می‌کوشد تا با اشاره به ریسک‌های منحصر به فرد در عملیات بانکداری اسلامی بر ضرورت مخاطره‌پایی^۱ و بهره‌مندی از روش‌های قابل قبول و مؤثر مدیریت ریسک از جمله رعایت توصیه‌های احتیاطی نهادهای ناظر بین‌المللی در زمینه لحاظ نمودن ذخایر سرمایه‌ای در مهار و مدیریت این‌گونه ریسک‌ها تأکید نماید.

۱- مروری بر ادبیات موضوع؛ مبانی نظری

۱-۱- مفهوم ریسک در ادبیات مالی

سابقه پیدایش رابطه ریسک و بازده را می‌توان برابر با خلقت اولین موجود دارای شعور دانست. در کنار هر منفعتی همواره محدودیت یا مخاطره‌ای رخ می‌نماید و حداکثر نمودن مطلوبیت، متناسب با سطحی قابل قبول از ریسک، دغدغه همیشگی بشر در انجام هر فعالیتی بوده است و اکنون در عصر رقابت شدید سازمان‌ها، عواملی هم‌چون رواج تکنولوژی‌های نو و پیشرفته، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه‌های نوین عرضه کالاها و خدمات، مسایل زیست‌محیطی، تمایل سازمان‌ها به داشتن دارایی‌های نامشهود به‌جای دارایی‌های مشهود و سرعت تغییرات محیطی موجب شده‌اند تا سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در دوران حیات خود با ریسک‌های بسیار متعدد و خطرات زیاد و حتی پیش‌بینی نشده‌ای مواجه شوند. به‌همین جهت و به‌منظور کاهش ریسک و جبران زیان‌های ناشی از آن، امروزه در ادبیات علمی مبحث مدیریت ریسک جایگاهی منحصربه‌فرد یافته است و حتی در برخی تعاریف، «مدیریت سازمان» را با «مدیریت ریسک» یکسان می‌دانند. هر تصمیم مدیریتی و حتی یک نوآوری و استفاده از یک روش جدید هم می‌تواند همراه خودش ریسک داشته باشد. یک فرصت جدید، مثلاً سرمایه‌گذاری

^۱ risk governance

در یک کشور خارجی یا افزایش سرمایه، فرصتی است که سازمان می‌تواند از آن استفاده کند، ولی باید به ریسک اجرای آن توجه کند. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که سازمان‌ها در اجرای وظایف عادی خود نیز با ریسک روبرو هستند.

ریسک در لغت به مفهوم امکان یا احتمال بروز خطر یا روبرو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن، کاهش درآمد و زیان دیدن است. ریشه ریسک از کلمه ایتالیایی «risicare» به مفهوم «venture to» است. این مفهوم به معنی تقبل ریسک در اتخاذ آگاهانه تصمیم دلالت دارد. به عبارتی، تحمل میزان ضرر و یا احتمال ضرر آتی که از هر تصمیم یا پدیده بالقوه ناشی می‌شود.^۱ با مراجعه به منابع مختلف علمی، تعاریف متعددی از ریسک می‌توان یافت. که البته هر کدام، بسته به بعد یا زاویه دید خود، تعریف متفاوتی از ریسک ارائه کرده‌اند. در «فرهنگ مدیریت رهنما»، در تعریف ریسک آمده است: «ریسک عبارت است از هر چیزی که حال یا آینده دارایی یا توان کسب درآمد شرکت، مؤسسه یا سازمانی را تهدید می‌کند». «وستون» و «بریگام» در تعریف ریسک یک دارایی می‌نویسند: «ریسک یک دارایی عبارت است از تغییر احتمالی بازده آتی ناشی از آن دارایی». بر این اساس، ریسک احتمال سود و احتمال زیان را به‌طور هم‌زمان در برمی‌گیرد. بنابراین، با توجه به مجموعه تعاریف فوق، می‌توان ریسک را به‌صورت زیر تعریف کرد: «ریسک عبارت است از احتمال تغییر در مزایا و منافع پیش‌بینی شده برای یک تصمیم، یک واقعه و یا یک حالت در آینده» به‌عنوان مثال احتمال تغییر در عائدات مورد انتظار از یک سهم و غیره. منظور از احتمال این است که اطمینانی به تغییرات نیست. در صورتی که اطمینان کافی نسبت به تغییرات وجود داشت، تغییرات مطمئن در چارچوب منافع و مزایای پیش‌بینی شده پوشش پیدا می‌کرد در حالی که عدم امکان پیش‌بینی ناشی از احتمالی بودن تغییرات، آن را به ریسک حاکم بر منافع و مزایا تبدیل کرده است. تغییر، اشاره به هرگونه کاهش یا افزایش در منافع دارد. به این معنا که صرفاً تغییرات نامطلوب نیست که در چارچوب ریسک پوشش پیدا می‌کند. بلکه تغییرات مطلوب نیز در این معنا در چارچوب ریسک قرار دارد. تصمیم، واقعه یا حالت، اشاره به ارادی و غیرارادی بودن شرایطی دارد که ریسک بر آن حاکم می‌شود. ممکن است تصمیمی به صورت ارادی گرفته شود، مزایا و منافع آن ارزیابی شود و بر مزایا و منافع آن ریسک خاصی حاکم باشد. از طرف دیگر ممکن است واقعه یا حالتی در آینده به‌صورت غیرارادی پیش‌آید و پیش‌بینی‌های مزایا و منافع آن تحت لوای احتمال تغییر قرارگیرد مدیریت ریسک زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که شرایط با احتمال متحمل شدن زیان و عدم اطمینان مواجه شود.

^۱ فتحی (۱۳۸۵)

در مجموع مدیریت ریسک فراگرد سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی‌هایی برای اداره ریسک است. مدیریت ریسک را فراگرد یافتن و به اجرا گذاشتن روش‌های مقابله با ریسک باید دانست و به عبارت دیگر مدیریت ریسک به مجموعه اعمالی گفته می‌شود که بتواند دارایی‌های یک مؤسسه و بنگاه اقتصادی را حفظ نماید.^۱

بنابراینچه گفته شد، فعالیت در هر حوزه‌ای مخاطرات خاص خود را در پی دارد و هر سازمان باتوجه به ماهیت کار خود، ریسک‌های گوناگونی را تجربه می‌کند. در تجارت، وقوع ریسک عمدتاً ناشی از عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده است که در نهایت به کاهش سود منجر خواهد شد. نهادهای مالی و به ویژه واسطه‌گری‌های مالی، بازدهی خود را به شدت ریسک‌های متعددی گره زده‌اند. بانک‌ها به‌عنوان فعالان شاخص و پیشرو این صنعت، مسئولیت دارند تا از یک‌سو منابع مالی را به شیوه‌های گوناگون جذب کرده و از سوی دیگر به اقتصاد جامعه تزریق کنند. به‌همین جهت است که فشار فزاینده‌ای از جانب هر دو سمت ترازنامه بر سرمایه بانک‌ها وارد می‌آید و وظیفه اصلی یا به عبارت دیگر تنها وظیفه یک بانک برقراری تعادل بین این ریسک‌های مختلف و کسب بازدهی و پاداش از دل این مجموعه مهار شده است.

در بانکداری، به‌دلایلی نظیر: تعدد و تنوع عملیات بانکی، ماهیت‌های متفاوت این عملیات، وضعیت سرمایه بانک و محدودیت میزان آن، حفظ منافع سهام‌داران بانک، وضعیت منابع سپرده‌گذاران و فراوانی آن، حفظ منافع سپرده‌گذاران، متفاوت بودن منافع بانک و سپرده‌گذاران، نوع وظیفه بانک‌ها که آنها را متمایز از واحدهای دیگر اقتصادی می‌کند، تعدد گیرندگان تسهیلات اعتباری، متفاوت بودن وضعیت مالی هر یک از گیرندگان تسهیلات، سروکار داشتن گروه زیادی از کارکنان بانک با منابع مالی، نبود تخصص کافی در زمینه‌های مدیریت منابع، ثبت عملیات زیاد مالی، نقل و انتقالات زیاد پول داخلی، خارجی، ارایه انواع دیگر خدمات بانکی و غیره امثال آن، ریسک، ماهیتی کاملاً متفاوت از ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی دارد. همه این موارد و بسیاری از موارد دیگر ضرورتاً ایجاب می‌کند که مدیریت ریسک در بانک‌ها حساس‌تر، پیچیده‌تر و مشکل‌تر از مدیریت ریسک در واحدهای دیگر اقتصادی باشد. ویژگی اسلامی برخی از عملیات بانک‌های اسلامی حساسیت، پیچیدگی و مشکل بودن مدیریت ریسک را در بانک‌های اسلامی باز هم بیشتر می‌کند.^۲

^۱ ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۸

^۲ <http://www.ciena.ir/rtcl1.asp?code=20>

عمده‌ترین ریسک‌هایی که یک بانک به‌طور معمول تجربه می‌کند به شرحی که در ادامه مقاله ارائه می‌شود، هستند.^۱

۱-۱-۱- انواع ریسک

۱-۱-۱-۱- ریسک نرخ بهره^۲

مطابقت نداشتن سرسید دارایی‌ها و تعهدات بانک منشاء پیدایش یکی از مهم‌ترین انواع ریسک مترتب بر بانک به نام ریسک نرخ بهره است. این عدم مطابقت از یک‌سو بانک را ناگزیر می‌سازد تا احتمالاً با نرخ‌های جدید و بالاتر به تأمین مالی مجدد روی آورد^۳ و از دیگرسو، شرایطی مواجه شود که سرمایه‌گذاری‌های جدید با نرخ‌هایی نقصان یافته صورت گیرد.^۴ نرخ بهره همچنین، یکی از معیارهای مهمی است که در ارزیابی نرخ بازده مورد انتظار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نرخ که در بازار پول توسط عرضه‌پول و تقاضا برای آن تعیین می‌گردد، خود باز تابع عوامل مختلف اقتصادی نظیر میزان سرمایه‌گذاری، حجم پس‌انداز ملی، سیاست بودجه‌ای دولت و سیاست‌های انقباضی و انبساطی بانک مرکزی است. به علت عوامل زیاد تأثیرگذار بر نرخ بهره این نرخ به‌طور مداوم در نوسان است، به‌خصوص اینکه بانک مرکزی از نرخ بهره به عنوان اهرمی جهت تثبیت اقتصادی استفاده می‌نماید. از این‌رو، در پی افزایش نرخ بهره، نرخ بازده مورد انتظار و نرخ تنزیل جریان‌های آتی بالاتر رفته و ارزش پرتفوی بانک کاهش می‌یابد. به این ترتیب مشاهده می‌شود که تغییرات نرخ بهره از جهات گوناگون فعالیت بانک را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱-۱-۱-۲- ریسک بازار^۵

ریسک ناشی از عدم اطمینان نسبت به دریافتی‌های مربوط به پرتفولیوی تجاری مؤسسه مالی است که در نتیجه نوسانات در شرایط بازار مانند تغییر قیمت دارایی‌ها از جمله دارایی‌های مالی، نرخ‌های بهره، نوسانات بازار و نقدینگی بازار به‌وجود می‌آید. برای درک بهتر ریسک بازار نکات زیر قابل توجه است:

^۱ saunders and cornett (2003)

^۲ interest rate risk

^۳ refinancing risk

^۴ reinvestment risk

^۵ market risk

- ریسک بازار در ارتباط با اقلام مربوط به دفتر ترازنامه بانک است که شامل اوراق قرضه، کالاها، نرخ ارز و سهام است.
- ریسک بازار عمدتاً برای موسسات مالی که معاملات تجاری زیادی دارند نقش مهمی دارد.
- ریسک بازار مربوط به معاملاتی است که برای دوره کوتاه‌مدت با کسب سود حاصل از نوسان قیمت آن نگهداری می‌شود؛ ریسک بازار دوره‌های کوتاه‌مدت از ۱ روز تا بیشتر را در بر می‌گیرد.

۱-۱-۳- ریسک اعتباری^۱

عبارت است از عدم توانایی مشتری در عمل به بخشی یا تمام تعهدات خود مطابق با مفاد مندرج در قرارداد که در پی آن بعضی از دارایی‌های بانک، به‌ویژه تسهیلات اعطایی از نظر ارزش کاهش یافته یا بی‌ارزش می‌شود. ریسک اعتباری در دفاتر هر دو گونه فعالیت‌های بانکی و تجاری بانک می‌تواند مشکلاتی را سبب شود. در صورتی که مشتری نتواند به تعهدات وام خود در موعد مقرر عمل کند، ریسک اعتبار وام یا نکول رخ می‌دهد^۲ و در ناتوانی یا عدم تمایل مشتری در عمل به تعهدات خود در قراردادهای تجاری بانک، ریسک تسویه به وقوع می‌پیوندد^۳. با توجه به اینکه سرمایه بانک‌ها نسبت به کل ارزش دارایی‌های آنها کم است، حتی اگر درصد کمی از وام‌ها قابل وصول نباشند، بانک با خطر ورشکستگی رو به رو خواهد شد. در خصوص ریسک اعتباری، سررسید طولانی‌تر تسهیلات اعطا شده به معنای ریسک بالاتر خواهد بود.

۱-۱-۴- ریسک نقدینگی^۴

گاهی در پی خروج مقادیر قابل توجهی پول نقد از حساب مشتریان، بانک در وضعیتی قرار می‌گیرد که ناگزیر به فروش دارایی‌های خود در فرصتی کوتاه و با قیمتی نازل می‌شود که این ریسک تحت عنوان ریسک نقدینگی شناخته می‌شود. در صورتی که بانک تصمیم داشته باشد که نقدینگی مورد نیاز را قرض بگیرد، ریسک تأمین مالی^۵ مجدداً نیز به دنبال ریسک نقدینگی بر بانک تحمیل می‌شود.

^۱ Credit Risk

^۲ Default Risk

^۳ Settlement Risk

^۴ Liquidity Risk

^۵ Refinancing Risk

افزون بر ریسک‌های یادشده، موسسات مالی از جمله بانک‌ها، با ریسک‌های دیگری نیز مواجهند که از این میان می‌توان به ریسک‌های تکنولوژی، عملیاتی، فعالیت خارج از ترازنامه، برابری نرخ ارز، ورشکستگی و ناتوانی در پرداخت بدهی^۱ بانک اشاره نمود.

۱-۲- ریسک در بانکداری اسلامی

ریسک‌هایی که پیش از این معرفی نمودیم، بدون توجه به اینکه بانک در چارچوب قواعد و قراردادهای شرع مقدس فعالیت کند یا با استانداردهای نظام سنتی و غرب، برقرار هستند. اما در نظام بانکداری اسلامی بنا بر ماهیت متفاوت آن و اصول شرعی و اخلاقی حاکم بر آن، مدیریت ریسک با تنگناها و گونه‌های مضاعف و متنوع‌تری از ریسک روبروست. شناخت ریسک‌های مرتبط با این نظام در گرو شناخت قواعد و ملاحظاتی است که شارع برای رفتار مالی و اقتصادی در نظر گرفته است. نظام مالی اسلامی یک نظام عادلانه است و روابط بین نهادهای اقتصادی را منصفانه (و به عبارتی با نگاه win-win) تعریف می‌کند. به‌عنوان مثال رابطه بین تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از سرمایه بر مبنای همکاری و تقسیم عادلانه ریسک و بازده است. سیستم مالی اسلامی از هرگونه روابط خصمانه، ظالمانه و ناسازگار به‌دور است. به‌عبارت دیگر، هدف سیستم اسلامی، کارایی در تسهیم ثروت و مهم‌تر از آن به‌کارگیری سرمایه جهت رسیدن به بهره‌وری است و از احتکار منابع سرمایه‌ای اجتناب دارد. در واقع، «قوانین اسلام در مورد تجارت به فقه معاملات معروف است و اکثر این قوانین، موضوعات مربوط به عدالت اجتماعی، انصاف و برابری و همچنین معقول بودن معاملات مالی را مورد توجه قرار می‌دهند»^۲.

۱-۲-۱- اصول حاکم بر سیستم مالی اسلامی

به‌طور کلی اصول حاکم بر سیستم مالی اسلامی عبارتند از^۳:

اصل اول - حرام بودن ربا

ربا مفهوم و یا عملی است که در قرآن کریم به صراحت تحریم شده است. در اصطلاح فقها معمولاً ربا چنین تعریف شده است که معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً همجنس باشند، ثانیاً با کیل یا وزن اندازه‌گیری شوند یا قرض دادن به شرط زیاده. قید معاوضه ذکر شده

^۱ insolvency

^۲ کمالی (۲۰۰۰)

^۳ صالح آبادی (۱۳۸۵)

است تا شامل همه معاملات و معاوضات شود و اعم از بیع باشد^۱. موضوع ربا بین محققان و اندیشمندان اسلامی بسیار مورد بحث قرار گرفته است. وقتی که پول بین دو نفر مبادله می‌شود، هیچ یک از طرفین نباید بدون ایجاد ارزش افزوده طلب منفعتی نمایند. لذا مبادله پول به پول زمانی شرعی و قانونی است که بدون هیچ مبلغ اضافی صورت گیرد. در واقع در قانون اسلام درآمد زمانی معتبر است که حاصل کار، معامله ارث، هبه یا هدیه باشد. از طرف دیگر، در سیستم ربوی، کارکرد عملی پول اهمیتی ندارد و در چنین سیستمی چنانچه استفاده از پول در شرکت یا صنعت منجر به زیان گردد بهره ثابت باید پرداخت شود و این غیرشرعی و غیرقانونی است.

اصل دوم- مشارکت در سود و زیان

برخلاف بانک‌های معمولی که اساساً در اعطای تسهیلات آنها یک قرض‌دهنده و یک قرض-گیرنده وجود دارد، بانک اسلامی از یک طرف، شریک سپرده‌گذار و از سوی دیگر شریک صاحب کار اقتصادی به‌شمار می‌رود و با نظارت دقیقی که اعمال می‌شود، وجوه سپرده‌گذاران عمدتاً در سرمایه‌گذاری‌های مستقیم به‌کار گرفته می‌شود. تأمین‌کنندگان سرمایه، سرمایه‌گذار محسوب شده و کارآفرین و سرمایه‌گذار اگر بخواهند در سود سهیم باشند، باید در خطر تجاری هم شریک شوند. این در شرایطی است که با وجود سیستم ربوی، عملکرد واقعی مؤسسه اقتصادی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در این سیستم نرخ بهره به‌صورت تثبیتی بوده و فعالیت ملاک قرار نمی‌گیرد، بنابراین همواره امکان زیان وام‌دهنده یا وام‌گیرنده وجود دارد و تزییع حقوق یکی از طرفین به‌وقوع خواهد پیوست. اما در سیستم مشارکت به‌علت سهیم بودن در سود و زیان، درآمد بین شرکاء یا سهامداران به‌نسبت مشارکت آنان تسهیم می‌شود.

اصل سوم- پول به‌عنوان سرمایه بالقوه

پول به‌عنوان وسیله مبادله مورد استفاده قرار می‌گیرد. پول در واقع وسیله‌ای است که می‌توان ارزش اشیاء را اندازه‌گیری نمود، ولی پول به خودی خود هیچ ارزش ندارد. بر این اساس، پول به خودی خود قدرت زاینده‌گی ندارد در حالی که در سیستم ربوی، پرداخت بهره ثابت به‌وسیله بانک یا مؤسسه مالی ایجاد نوعی زاینده‌گی برای پول است. تلاش و کوشش انسانی، ابتکار و خلاقیت مهم‌تر از خود پول هستند. اقتصاددانان اسلامی پول را به‌عنوان سرمایه بالقوه مدنظر قرار می‌دهند و پول زمانی به سرمایه واقعی تبدیل می‌شود که سرمایه‌گذاری شود و وارد

^۱ جواهر الکلام، جلد ۲۳

جریان اقتصادی شود. به گفته شهیدمطهری خود پول دارای ارزش واقعی نیست و اگر ارزش واقعی می داشت نمی توانست نقش پولی خود را بازی کند و به مانند سایر کالاها قیمتش نوسان می یافت.

اصل چهارم - ایفای تعهدات

اسلام تنها دینی است که نسبت به اجرای کامل تعهدات و افشای اطلاعات تأکید می ورزد. این ویژگی باعث می شود که خطر اطلاعات نادرست و زیان های اخلاقی از بین برود. تعهد عبارت است از توافقی که بین طرفین برای انجام موضوع آن یا عدم انجام آن صورت گرفته باشد و بر اساس این توافق، متعهد در خصوص ایفاء یا عدم ایفای آن ملزم و مکلف بوده و هرگاه برخلاف توافقی که نموده است عمل نماید مسئول است.

اصل پنجم - ممنوعیت فعالیت های نامشروع

بعضی از فعالیت ها از نظر اسلام جزء مکاسب محرمه هستند و بعضی دیگر حلال شمرده شده و مورد تصویب دین مبین اسلام قرار گرفته اند. شرکت ها باید در فعالیت هایی شرکت کنند که از نظر اسلام مجاز شمرده شده است و افزون بر آن خود شرکت نیز نباید عملی انجام دهد که با مبانی دین مبین اسلام تناقض داشته باشد، یعنی شرکت نباید در فعالیت های غیراسلامی سرمایه گذاری کند و نباید از طریق غیراسلامی تأمین مالی کند.

چنین اصول و چارچوب هایی موجب گردید تا مسلمانان تحقق نیازهای خود را در نظامی غیر از نظام مالی سنتی جستجو کرده و به ایجاد و توسعه نظام مند نهادها و شیوه های بدیع مورد تایید شارع دست زنند. به این ترتیب، جهان در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، ظهور بانکداری اسلامی در صحنه عملیات مالی و پولی را شاهد بود. کشور مصر برای نخستین بار عملیات بانکی بدون ربا را تجربه کرده و از آن مقطع تاکنون روز به روز به تعداد بانک هایی که براساس اصول اسلامی اداره می شوند، افزوده شد و بسیاری از کشورهای اسلامی، بانکداری بدون ربا را در دستور کار خود قرار دادند.

بانک های اسلامی نه تنها برای مسلمانان که ربا را حرام می دانند جالب بوده است، بلکه برای غیرمسلمانان هم جذابیت خاص پیدا کرده است؛ چرا که بر خلاف بانک های معمولی که تمام ضررهای مالی بدهکاران به بانک را به عهده وام گیرنده می گذارد، بانک اسلامی سهمی از این ضرر و زیان را خود متقبل می شود. همچنین، این موضوع که مؤسساتی که با مواد مخدر و مشروبات الکلی و قمار سر و کار داشته باشند، نمی توانند از اعتبارات این بانک ها استفاده کنند، برای سرمایه گذاران پیرو «اخلاق» نیز جاذب بوده است.^۱ در حال حاضر، چند مؤسسه اعتباری

^۱ ایزدی (۱۳۸۴)

اسلامی و یک بانک اسلامی تمام عیار، زیر نظر (FSA سازمان خدمات مالی انگلیس) مشغول فعالیت هستند. در سپتامبر ۲۰۰۴ بانک اسلامی بریتانیا با عرضه کلیه خدمات بانکی در لندن افتتاح شد و پیش‌بینی می‌شود که شبکه این بانک به ۱۲ الی ۱۵ شعبه در شهرهای بزرگ انگلستان توسعه یابد. امروزه بیش از ۱/۸ میلیون مسلمان در کشور انگلستان سکونت دارند و هر ساله بیش از ۵۰۰ هزار نفر مسلمان دیگر نیز به‌طور مداوم از این کشور دیدن می‌کنند.^۱ بانک اسلامی بریتانیا برای توسعه آینده، نظرش را به اروپای غربی معطوف داشته است، یعنی آنجا که در حدود ۱۴ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند. هم‌اکنون این بانک خدماتش را به مسلمانان و غیرمسلمانان به‌صورتی یکسان ارائه می‌دهد، همان‌طور که هیأت مدیره‌اش از مسلمانان و غیرمسلمانان تشکیل شده است.

افزون بر انگلیس، در سایر کشورهای اروپایی نیز صنعت بانکداری اسلامی در حال گسترش و شکوفایی است که این امر، چندان عجیب و دور از ذهن هم نمی‌تواند باشد؛ زیرا جمعیت قابل توجهی از مسلمانان در کشورهای فرانسه، آلمان و سایر کشورهای کوچک و بزرگ اروپا زندگی می‌کنند که این امر آنها را به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقلیت‌های ساکن قاره اروپا تبدیل کرده است. بازار بانک‌های اسلامی در حال توسعه است و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. در حال حاضر میزان معاملات بانک‌های اسلامی در سطح جهان بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیارد دلار آمریکایی در سال تخمین زده می‌شود که سالانه رشدی معادل ۱۵ درصد دارد.^۲

۱-۲-۲- مهم‌ترین قراردادهای مالی مورد استفاده در سیستم بانکداری اسلامی

قراردادهای مالی اسلامی با قراردادهای مالی کلاسیک تفاوت مهمی دارد؛ زیرا ساختار قراردادهای مالی کلاسیک مبتنی بر بهره است. برخی از قراردادهای مالی اسلامی که به‌صورت گسترده توسط بانک‌های اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از:

الف - مضاربه (مشارکت در سود)

مضاربه یکی از مهم‌ترین انواع قراردادها در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری است که به «قراض» یا «مقارضه» نیز معروف است. مضاربه برای دارنده‌ی سرمایه این فرصت را فراهم می‌کند که سرمایه خود را در پروژه‌ی معینی سرمایه‌گذاری کند بدون این‌که درگیر مدیریت آن شود ضمن اینکه تعهدات وی نیز به سرمایه‌ی آورده شده محدود می‌شود.

^۱ فوت (۱۳۸۴)

^۲ ایزدی (۱۳۸۵)

در مضاربه یک کارآفرین نیز وجود دارد که به تنهایی مدیریت پروژه را برعهده می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی مضاربه این است که سرمایه‌گذار نمی‌تواند در صورت سودآور بودن پروژه، سود ثابت و بازده تضمین‌شده‌ای را مطالبه کند؛ زیرا سود به‌دست آمده براساس نسبت توافق شده‌ی قبلی بین سرمایه‌گذار و کارآفرین تقسیم می‌شود. اگر پروژه با زیان مواجه شود، همه زیان متوجه سرمایه‌گذار خواهد بود مگر اینکه زیان در نتیجه غفلت و کوتاهی کارآفرین به‌وجود آمده باشد. محققان توانسته‌اند با معرفی «مضاربه مضاعف» اصل مضاربه را توسعه دهند. در مضاربه مضاعف دو قرارداد مضاربه وجود دارد. در مضاربه اول سرمایه‌گذار، سرمایه خود را در اختیار یک مؤسسه مالی اسلامی قرار می‌دهد. (مؤسسه مالی نقش عامل یا کارآفرین را ایفا می‌کند) مؤسسه مالی نیز از طریق قرارداد مضاربه دوم سرمایه را در اختیار یک کارآفرین دیگر قرار می‌دهد. به‌عبارت دیگر مؤسسه مالی اسلامی با استفاده از این نوع مضاربه، نقش یک واسطه را بین سرمایه‌گذار و کارآفرین ایفا می‌کند.

ب- مشارکت (مشارکت در سود و زیان)

قرارداد مشارکت همانند سرمایه‌گذاری مشترک^۱ است. سرمایه‌گذار و کارآفرین به نسبت‌های مختلف در سرمایه شریک می‌شوند و با هم توافق می‌کنند که ریسک و بازده را به نسبتی از پیش تعیین شده، بین خود تقسیم کنند.

محققان اسلامی توانسته‌اند با معرفی «مشارکت تناقصی»^۲ به‌عنوان یک قرارداد جدید مالی، اصل مشارکت را توسعه دهند. در مشارکت تناقصی که عموماً در خرید و واگذاری واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مؤسسه مالی و مشتری در مالکیت دارایی موردنظر با هم شریک می‌شوند. مشتری بخشی از سرمایه موردنیاز اولیه را فراهم می‌کند و با منظور تصاحب باقیمانده سهم‌الشرکه که در اختیار مؤسسه مالی است به‌صورت دوره‌ای اقدام به پرداخت اقساط به مؤسسه می‌نماید. اقساط پرداخت‌شده شامل دو بخش است. بخشی از آن، پرداخت اجاره آن قسمت از دارایی است که در تملک مؤسسه قرار دارد و بخش دیگر هزینه خرید قسمتی از مالکیت مؤسسه مالی است. با گذشت زمان مالکیت مشتری افزایش می‌یابد تا اینکه سرانجام وی مالک کل دارایی می‌شود و قرارداد نیز خاتمه می‌یابد.

^۱ joint venture

^۲ dimishing musharakah

ج- مشارکت حقوقی

در این روش، بانکها با تخصیص بخشی از منابع، به خرید بخشی از سهام شرکت‌های پذیرفته در بورس اقدام کرده، همانند سایر سهام‌داران در سود شرکت شریک می‌شوند.

د- مرابحه (فروش همراه با سود)

مرابحه یکی از رایج‌ترین ابزارهای تأمین مالی کوتاه‌مدت است. در مرابحه، فروشنده، دارایی خریداری‌شده را به قیمت بالاتر به مشتری (خریدار) می‌فروشد. در این قرارداد، خریدار از قیمت خرید دارایی توسط فروشنده اطلاع دارد و توافق می‌کند که مقداری بیش از قیمت خرید به فروشنده بپردازد. مرابحه درحقیقت توافق در مورد یک معامله خرید و فروش جهت تأمین مالی یک دارایی است که در آن هر دو طرف از هزینه‌ها و حاشیه سود اطلاع دارند و آن را قبول کرده‌اند.

در این توافق همان‌طور که در بازار مرسوم است، فروشنده می‌پذیرد که دارایی مورد نیاز مشتری را خریداری نموده و آن را به قیمتی بالاتر و توافق شده به وی بفروشد. پرداخت این مبلغ با توجه به توافق دو طرف می‌تواند نقدی و یا به صورت اقساط باشد.

ث- بیع با ثمن مؤجل (فروش اقساطی)

«بیع با ثمن مؤجل» از این جهت که فروشنده تعهد می‌کند که دارایی مورد نیاز مشتری را خریداری نموده و به قیمتی بالاتر و توافق شده به وی واگذار می‌نماید، شبیه مرابحه است. تفاوتی که بین این دو وجود دارد، اصولاً در نوع دوره تأمین مالی است. در «بیع با ثمن مؤجل» که فروشنده ملزم به افشای قیمت خرید نیز نیست، برخلاف مرابحه، تأمین مالی بلندمدت مورد نظر است.

ج- خرید دین

در این روش نیز بانکها برای تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز متقاضیان، اسناد مالی (طلب) مدت‌دار آنان را با احتساب سود بانکی خریداری (تنزیل) می‌کنند.

چ- جعاله

مطابق با ماده ۱۵۲ قانون مدنی جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین. در بانکداری اسلامی ایران منظور از جعاله عبارتست از: انجام عمل معینی در مقابل اجرتی معلوم (جعل) طبق قرارداد. طرفی را که عمل را انجام می‌دهد عامل یا پیمان‌کار نامیده و طرفی را که کار را ارجاع می‌کند جاعل یا کارفرما می‌نامند.

جعاله از تسهیلاتی است که در بخش‌های بازرگانی، تولیدی (صنعت، معدن، کشاورزی) و خدماتی کاربرد داشته و بانک‌ها می‌توانند به‌عنوان عامل (پیمانکار) یا عندالاقضاء به‌عنوان جاعل (کارفرما) مبادرت به جعاله نمایند.^۱

ح- بیع سلف (پیش خرید)

«بیع سلف» یک معامله خرید و فروش است که در آن پرداخت به‌صورت نقدی در هنگام عقد قرارداد انجام می‌شود، اما تحویل دارایی خریداری‌شده به زمانی مشخص در آینده موکول می‌شود. در نظام مالی اسلامی نوین، محققان اسلامی، مجوز سلف موازی یا متقابل را نیز صادر کرده‌اند که در آن سرمایه‌گذار یک نقش دو طرفه را ایفا می‌کند. سرمایه‌گذار از یک طرف در یک قرارداد سلف، فروشنده است و از طرف دیگر با ورود به یک قرارداد سلف دیگر که مستقل از سلف اول است نقش خریدار را بر عهده می‌گیرد تا بتواند کالاهایی با همان مشخصات قرارداد اول تهیه نماید. نکته مهم در سلف متقابل این است که دو قرارداد سلف باید کاملاً مستقل از یکدیگر باشند.

خ- استصناع (دستور ساخت)

استصناع یک توافق خرید و فروش است که در آن فروشنده، ساخت یک کالا طبق مشخصات ذکرشده در قرارداد را برعهده می‌گیرد. استصناع شبیه بیع سلف است. تفاوت اساسی در ماهیت دارایی و روش پرداخت است. استصناع معمولاً شامل کالاهایی است که بنا به یک سفارش خاص ساخته می‌شوند و برخلاف بیع سلف، پیش‌پرداخت الزامی نیست. روش پرداخت طبق توافق دو طرف در قرارداد می‌تواند انعطاف‌پذیر باشد. همانند بیع سلف، در استصناع نیز قرارداد متقابل می‌تواند وجود داشته باشد که در آن سرمایه‌گذار یک نقش دو طرفه را ایفا می‌کند؛ یعنی در یک قرارداد استصناع، سازنده (فروشنده) است و در یک قرارداد استصناع دیگر که مستقل از استصناع اول است، نقش خریدار را دارا است.

د- اجاره (لیزینگ)

اجاره (لیزینگ) یکی دیگر از ابزارهای رایج است که برای تأمین مالی یک دارایی طراحی شده است. اجاره، «منفعت» یا حق استفاده از یک دارایی یا تجهیزات است. موجر دارایی یا تجهیزات مورد نظر را با اجاره بهای توافقی و برای مدت معینی که در قرارداد ذکر شده است، به مشتری (مستأجر) اجاره می‌دهد. انواع مختلفی از اجاره مجاز شمرده شده است که از آن جمله

^۱ جمشیدی (۱۳۷۳)

می‌توان به اجاره به شرط تملیک اشاره کرد. این نوع اجاره یک نوع لیزینگ اسلامی است که در آن مقداری از مبلغ اجاره بها به خرید دارایی در پایان دوره اجاره اختصاص می‌یابد. در پایان مدت اجاره، مالکیت دارایی از طریق یک قرارداد خرید و فروش از موجر به مستأجر منتقل می‌شود.

بانک‌های اسلامی می‌کوشند وظایف خود را در قالب عقود مذکور به انجام رسانند. فعالیت‌های تأمین مالی بانک‌های اسلامی عموماً بر اساس اصول مضاربه، مشارکت، بیع با ثمن مؤجل و اجاره انجام می‌گیرد و از طریق چهار نوع حساب جاری، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری مخصوص که براساس عقود مختلف شرعی از قبیل مضاربه، قرض‌الحسنه (حساب امین) و مشارکت طراحی شده‌اند، اقدام به جمع‌آوری و پذیرش سپرده‌ها می‌کنند.

«به‌طور کلی در یک تقسیم‌بندی می‌توان قراردادهای را در چهار گروه قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای (مربحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین)، قراردادهای مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات) و سرمایه‌گذاری مستقیم، جای داد. ویژگی اصلی قرارداد قرض‌الحسنه، غیرانتفاعی و خیرخواهانه بودن آن است. همچنین برخی از ویژگی‌های قراردادهای مبادله‌ای به قرار زیر است:

۱- انتفاعی بودن قرارداد: قراردادهای مبادله‌ای همگی انتفاعی هستند؛ یعنی بانک از محل انجام این قراردادها کسب سود می‌کند.

۲- معین بودن سود قرارداد: افزون بر انتفاعی بودن قرارداد، نرخ سود بانک از محل این قراردادها معین است؛ به‌عنوان مثال، بانک می‌تواند تصمیم بگیرد تمام قراردادهای مبادله‌ای خود را برای سال خاص یا فصل خاصی با نرخ‌های معین قرارداد ببندد. چنان‌که می‌تواند برای همه-ی بخش‌ها یا همه‌ی قراردادهای از یک نرخ یا چند نرخ معین به‌صورت ترجیحی استفاده کند.

۳- تملیکی بودن قرارداد: در قراردادهای مبادله‌ای بعد از پایان قرارداد، طبق ضوابط هر قرارداد، عوضین به ملکیت طرفین در می‌آید و رابطه بانک با گیرنده‌ی تسهیلات، رابطه‌ی بستانکار و بدهکار است.

۴- عدم نیاز به نظارت و کنترل: در قراردادهای مبادله‌ای مسؤلیت بانک در احراز صحت قرارداد خلاصه می‌شود و بعد از آن به نظارت و کنترل چگونگی بهره‌برداری از تسهیلات گرفته شده از بانک نیازی نیست. بانک فقط مسؤلیت دارد با دریافت تضمین کافی از بازگشت منابع مطمئن شود.

۱-۲-۳- ویژگی‌های قراردادهای مشارکتی

۱- انتظار انتفاعی بودن قرارداد: ماهیت این قراردادها همانند قراردادهای مبادله‌ای انتفاعی است با این تفاوت که در قراردادهای مبادله‌ای تحقق انتفاع حتمی است. اما در قراردادهای مشارکتی انتظاری است. طرفین قرارداد (بانک و متقاضی تسهیلات) انتظار دارند طبق پیش‌بینی خود سودی داشته باشند که در عمل ممکن است اتفاق نیافتد.

۲- متغیر بودن نرخ سود قرارداد: در قراردادهای مشارکتی ممکن است ابتدای قرارداد، سهم سود بانک و نرخ سود انتظاری را برآورد کرد، اما سود واقعی در پایان قرارداد معلوم می‌شود و به‌صورت طبیعی از موردی به مورد دیگر متفاوت خواهد بود. با توجه به اینکه ممکن است برای قرارداد خاصی نرخ سود صفر و حتی منفی باشد، در نتیجه سود بانک از محل قراردادهای مشارکتی متغیر و در پایان دوره‌ی مالی معلوم می‌شود.

۳- ادنی بودن قرارداد: در قراردادهای مشارکتی، سرمایه‌ای که از طرف بانک در اختیار متقاضی تسهیلات قرار داده می‌شود، به ملکیت او در نمی‌آید، بانک فقط به او اذن تصرف می‌دهد. متقاضی تسهیلات می‌تواند در دایره اذن صاحب سرمایه (بانک) از آن در فعالیت اقتصادی بنگاه استفاده کند و رابطه مالی بانک با مشتری، رابطه صاحب سرمایه با عامل یا رابطه دو شریک خواهد بود.

۴- نیاز به نظارت و کنترل: در قراردادهای مشارکتی، افزون بر مسؤولیت احراز صحت اصل قرارداد، بانک مسؤولیت دارد اقتصادی بودن فعالیت را احراز کند و در طول اجرای پروژه بر کیفیت به‌کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد تا از حق و حقوق بانک و سپرده‌گذاران دفاع کند. در نهایت و در خصوص روش سرمایه‌گذاری مستقیم باید گفت که این روش گرچه قرارداد نیست، اما از جهت آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است؛ یعنی فعالیتی با انتظار انتفاع که نرخ سود متغیر آن در پایان دوره مالی معلوم می‌گردد^۱.

۱-۲-۴- ریسک حاکم بر عقود اسلامی

در مجموع و با نگاهی دقیق به ویژگی‌هایی که برای قراردادهای شایع عمل بانک‌های اسلامی برشمردیم، می‌توان دریافت که:

بانک اسلامی صاحب پرتفویی از دارایی‌هاست که خصلت مشارکت محوری و توزیع ریسک- پاداش بین بانک و مشتریان (به‌خصوص در قراردادهای مشارکتی) بر آن غالب است و شاید به یک شرکت سهامی شبیه‌تر باشد تا به یک بانک با تعریف غربی آن.

^۱ موسویان (۱۳۸۴)

از این رو، به نظر می‌رسد یک بانک اسلامی افزون بر ریسک‌های متعارفی که یک بانک سنتی با آن روبروست ریسک‌های متفاوت دیگری را نیز متحمل می‌شود. «افزون بر می‌توان تقسیم‌بندی ذیل را در مورد ریسک‌های مترتب بر بانک‌های اسلامی در نظر گرفت:

- ۱- ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیت آن‌ها تابع موازین و احکام اسلامی نیستند، لکن، این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیراسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
- ۲- ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیت آن‌ها تابع موازین و احکام اسلامی هستند، لکن، این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیراسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
- ۳- ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیت آن‌ها تابع موازین و احکام اسلامی هستند، ولی این عملیات فقط در بانک اسلامی اجرا می‌شوند.

مصادیق ریسک در گروه اول بیشتر از جمله مصادیق ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است که در اصطلاح به آنها ریسک عملیاتی اطلاق می‌شود. چون این فعالیت‌ها و عملیات با موازین اسلامی تعارض ندارد، کاربرد آنها در هر دو محیط بانک اسلامی و غیراسلامی یکسان است. این قبیل ریسک‌ها نظیر ریسک‌های مربوط به نقل و انتقال وجوه، حواله وجه از محلی به محل دیگر، وصول چک، برات، سفته، اختلاس، دزدی، کلاهبرداری، سرقت مسلحانه و امثال آن را در برمی‌گیرد، طبعاً هر تحلیلی در زمینه این قبیل ریسک‌ها در ادبیات مربوط به بانکداری سنتی، قابل تسری به موارد مشابه آن در بانکداری اسلامی نیز هست. گروه دوم، آن دسته از عملیاتی را شامل می‌شود که به رغم ماهیت اسلامی آنها در هر دو محیط بانک اسلامی و غیراسلامی به کار گرفته می‌شوند. در نتیجه، قسمت عمده و شاید تمام ریسک‌های ناشی از این عملیات در هر دو محیط یکسان است. تسهیلات مربوط به اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، اعطای قرض یا وام (در شکل حسنه) قبول سپرده‌های استقراری، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک و خرید و فروش سهام، نمونه‌هایی از این موارد هستند که ریسک و مدیریت آن در این گونه موارد در هر دو محیط کاملاً مشابه است.

گروه سوم، گروه خاصی است که ریسک آنها منتج از فعالیت‌هایی است که از نظر ماهیت تابع احکام و موازین اسلامی است و مشابه این نیز عملیات در بانکداری سنتی وجود ندارد و اصولاً معطوف به شیوه تامین و مصرف وجوه هستند.

شیوه رفتار بانک‌های سنتی به گونه‌ای هستند که هم تجهیز منابع و هم مصرف منابع در آنها، عمدتاً بر مبنای عقد قرض یا در واقع بر مبنای «وام» صورت می‌گیرد. به عبارت کلی‌تر، در هر دو زمینه، رفتار این بانک‌ها بر اساس معامله «مثل» و «مثل» (معامله «پول» با «پول» یا «سرمایه» با

«سرمایه» با دریافت مبلغی اضافه است. از دیدگاه اسلامی، بانک‌ها اصولاً نمی‌توانند به معامله «مثل» و «مثل» مگر در شکل حسنه آن، مبادرت ورزند. از این رو، بانک‌های اسلامی، ناگزیر منابع خود را با شیوه‌ای تجهیز و مصرف می‌کنند که از معامله «مثل» و «غیرمثل»^۱، مگر در شکل حسنه آن، اجتناب کنند. برعکس، این بانک‌ها منابع خود را از طریق معاملات «مثل» و «غیرمثل»، مصرف می‌کنند. تقریباً ریشه اکثر قریب به اتفاق این معاملات عقد «بیع» است. این بانک‌ها، منابع مالی خود را در شکل مالکیتی یا مشارکتی با کالا و خدمات مبادله کرده و سپس مالکیت این کالا و خدمات را به گیرنده تسهیلات منتقل کرده و در نهایت با دریافت قیمت این کالا و خدمات، منابع مالی خود را مسترد می‌دارند. در نتیجه، در بانکداری سنتی ریسک مصرف منابع مستقل از ریسک تجهیز منابع خواهد بود. در حالی که در بانکداری اسلامی ریسک مصرف و تجهیز منابع به یکدیگر وابستگی نزدیک دارند که نشان می‌دهد توزیع ریسک در این دو بانکداری متفاوت است.

در حقیقت بانک اسلامی به واسطه تجهیز و مصرف منابع، به شکل مالکیتی، خود را با مجموعه‌ای از ریسک‌های مربوط به معامله کالا از جمله ریسک‌های بازار و ریسک اعتباری، ناشی از عملیات اعتباری «مالکیتی» درگیر می‌سازد که این اتفاق به‌طور انحصاری در بانک‌های اسلامی دیده می‌شود. در حالی که برعکس در بانکداری سنتی مصرف و تجهیز منابع به‌صورت «وام» شکل می‌گیرد. بدیهی است که ریسک «سرمایه مالکیتی» در مقام مقایسه با ریسک «وام» بیشتر است و این مطلب بر پایه اصول علم اقتصاد و مدیریت مالی^۲ نیز منطقی و موجه شناخته شده است.

تفاوت‌های دو نظام، چنانچه تشریح شد، به‌طور عمده مربوط به شیوه رفتاری اسلامی یا در واقع رفتار حقوقی حاکم بر روابط بانک اسلامی و گیرنده تسهیلات اعتباری بروز می‌کند. برای بررسی ریسک در اعطای تسهیلات، می‌توان اقدامات مربوط به هر عمل را گام به گام بررسی کرد. این روابط از مرحله انعقاد قرارداد شروع می‌شود. انعقاد قراردادهای اسلامی به دلیل ضوابط و موازین شرعی حاکم بر آنها، علاوه بر مقررات بانکی، بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌تر از انعقاد قراردادهای مشابه در بانکداری سنتی است. در انعقاد این‌گونه قراردادهای، اشراف به مسائل شرعی، حقوقی و تخصصی سطح بالا ضرورت دارد. اشتباهات و خطاهای قراردادی ممکن است موجب شود که در صورت لزوم قراردادهای مذکور در محاکم قضایی به دلیل عدم تبعیت آنها از موازین شرعی مفاد قرارداد باطل اعلام و منافع بانک با خطر مواجه شود. استفاده بانک از

¹ conversion

² finance

خدمات حقوقدانان برجسته و آگاه بر موازین شرعی و مقررات و ضوابط بانکی می‌تواند در حفظ منابع بانک نقش ارزنده داشته باشد. نکته مهم این است که این قراردادها منشاء همه رفتارها و اقدامات بعدی بانک است که می‌تواند خوب به نتیجه برسد و یا نتیجه نامطلوب داشته باشد.

قدم بعدی، پرداخت وجه تسهیلات است که در بانکداری اسلامی، اصولاً نمی‌تواند، مگر در موارد خاص، به صورت نقد باشد. موارد خاص، سلف، مضاربه و بعضاً پرداخت وجه نقد در مشارکت را شامل می‌شود؛ زیرا، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، به دلیل موازین شرعی، پرداخت وجه نقد و در مقابل آن دریافت وجه نقد، معامله «مثل» و «مثل» تلقی شده و ممکن است شبهه «ریا» داشته باشد. در واقع، پرداخت وجه اعتبار به دلایل شرعی، الزاماً به صورت کالا و خدمات در می‌آید، خواه در یک نوبت یا در چند نوبت باشد تا بانک اسلامی بتواند با فروش، یا به‌طور کلی، انتقال مالکیت آنها، سود (یا زیان) حاصل کند. به این ترتیب، بانک اسلامی در این مرحله وارد معاملات اسلامی که اکثر قریب به اتفاق آنها «بیع» است می‌شود و وجه تسهیلات را تبدیل به کالا و خدمات کرده و به گیرنده تسهیلات تحویل می‌دهد. حضور بانک اسلامی در این قبیل معاملات ملازمه با قبول ریسک بیشتر، به‌ویژه ریسک مباشرت در آنها دارد. پیچیدگی‌های مربوط به تهیه و تدارکات کالا و خدمات، معاملات مربوط به آنها، قراردادهای مربوط به آنها، قیمت آنها، احیاناً ساخت آنها، کالای ناباب، ساخت متفاوت، کیفیت نامطلوب، زیاد خریدن، کم خریدن و غیره موارد بسیار دیگر، ریسک‌های متعدد و متنوعی را برای بانک اسلامی به‌وجود می‌آورد که پوشش و پیش‌گیری و کاهش آن بسیار مشکل است. بانک اسلامی نه تخصص و نه نیروی انسانی لازم را در این موارد دارد و نه می‌تواند داشته باشد. درحالی‌که چنین ریسک‌هایی در بانکداری سنتی، به دلیل انتقال آن به گیرنده تسهیلات برای بانک وجود ندارد. البته، چنانچه بانک اسلامی بخواهد وارد این جریان شود، می‌تواند با تربیت متخصصان و کارشناسان مجرب، ریسک مباشرت را کمتر کند، ولی در هر صورت حضور بانک در فعالیت‌های اقتصادی به مصلحت بانک اسلامی به‌نظر نمی‌رسد.

مرحله مصرف، مرحله بعدی است که متفاوت از مرحله پرداخت است. هر چند به ظاهر هر دو مرحله یک مطلب را القا می‌کند ولی در عمل دو مطلب جداگانه است. پس از تهیه و تدارک کالا، باید اطمینان حاصل شود که این کالا و خدمات به مصرف مربوط می‌رسد. در غیر این صورت، هدف از اعطای تسهیلات حاصل نمی‌شود؛ زیرا چنانچه کالا و خدمات به‌نحو مطلوب به مصرف نرسد، بهره‌برداری از فعالیت اقتصادی موضوع تسهیلات اعتباری را با مشکل و خطر مواجه می‌کند. در نتیجه، در این مرحله، انحراف از مصرف عبارت خواهد بود از کم‌مصرف کردن، صحیح مصرف نکردن و غیره مطالب بسیار دیگری که موجب رخداد ریسک‌های متعددی برای بانک اسلامی می‌شود.

ریسک‌هایی که نه تنها باعث به تعویق افتادن فعالیت اقتصادی موضوع تسهیلات می‌شود، بلکه در نهایت بازگشت منابع را نیز با مشکل مواجه می‌کند. در این مورد نیز چون بانک اسلامی در بسیاری از انواع تسهیلات اعطایی غیرمشابه حضور دارد، لذا «ریسک‌های مباشرت» مربوط به مصرف بر بانک اسلامی تحمیل خواهد شد.^۱

قراردادهای مشارکتی نیز همانند قراردادهای مبادله‌ای یا مالکیتی با ریسک‌های ویژه خود مواجهند. در بانکداری متعارف، تسهیلات اعطایی همه براساس قرارداد قرض با بهره معین است و بانک در مقابل آن وثیقه می‌گیرد. قراردادهای مبادله‌ای در بانکداری بدون ربا همین ویژگی را دارند؛ یعنی قرارداد با نرخ‌های سود معین منعقد و در مقابل آن وثیقه دریافت می‌شود. اما در قراردادهای مشارکتی، اولاً نرخ سود نامعین است و ثانیاً به جهت رابطه‌ی شراکتی بانک با گیرنده‌ی تسهیلات، وثیقه معنا ندارد و بانک همانند او صاحب پروژه و سرمایه‌گذار در پروژه به‌شمار می‌رود و این باعث می‌شود که ریسک بانکداری بدون ربا از دو جهت دیگر افزایش یابد. در واقع، همواره احتمال این وجود دارد که طرح مورد سرمایه‌گذاری به‌موقع به سوددهی نرسد، یا آن‌گونه که انتظار داشتند، سوددهی نداشته باشد. هر یک از این حالات، بانک را با مشکلات عدیده مواجه خواهد کرد. افزون بر این، این احتمال نیز وجود دارد که استفاده‌کننده از تسهیلات مشارکتی (عامل یا شریک) سود واقعی را گزارش نداده، حتی ادعای خسارت کرده، برای اثبات آن پرونده‌سازی کند که از آن به مخاطره (ریسک) اخلاقی تعبیر می‌کنند.

اگر بانک بخواهد این دو ریسک را به‌درستی مدیریت کند، ناگزیر باید در انتخاب طرح‌ها و پیشبرد آنها تا مرحله بهره‌برداری و بعد از آن، از طریق کارشناسان باتجربه نظارت و کنترل کند که این امر به‌صورت طبیعی برای بانک‌های تجاری غیرممکن است و اگر بانک بخواهد در عرصه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری به تناسب، کارشناس خبره استخدام کند، هزینه عملیات اعتباری به شدت افزایش می‌یابد و هزینه تمام‌شده سرمایه در بانکداری بدون ربا بیشتر می‌شود.^۲ چنین خطراتی را بانکداری سنتی تحمل نمی‌کند. بلکه با انتقال آن، گیرنده تسهیلات این قبیل ریسک‌ها را متحمل می‌شود.

^۱ www.Ciena.ir

^۲ موسویان (۱۳۸۴)

۲- آرایه راه‌کار برای مدیریت ریسک در عقود اسلامی: رتبه‌بندی داخلی

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، بانک‌های اسلامی با دو دسته ریسک، مشترک با نظام متعارف بانکداری و مختص نظام بانکداری اسلامی، مواجه هستند. بسیاری از ریسک‌های عملیاتی از دسته ریسک‌های مشارکت هستند که شیوه‌های مدیریت مشابهی هم دارند. اصلی‌ترین چالش در مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی به ابعاد منحصر به فرد این نظام بر می‌گردد که عمدتاً ناشی است از ماهیت عقود و قراردادهای مورد استفاده در آن. بنابراین، باید برای این مسأله راه‌حلی جستجو کرد که ضمن همگام‌بودن با ملاحظات دینی و خالی بودن از هرگونه بار ارزشی و ضد شرعی، مدیریت ریسک را در نظام اسلامی تسهیل نماید. سیستم رتبه‌بندی داخلی راه‌حلی است که هر دو خصوصیت موردنظر را داراست و می‌تواند در ارزیابی، کنترل و کاهش ریسک پرتفوی دارایی‌ها یاری‌گر مدیران ریسک در نظام بانکداری اسلامی باشد.

از اواخر دهه ۸۰ سال ۱۹۸۸ به بعد کمیته بال اقدام به تدوین استاندارد کفایت سرمایه مبتنی بر ریسک در سطح جهان کرد. سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به بانک اجازه می‌دهد که هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. نسبت کفایت سرمایه یکی از شاخص‌هایی است که جهت ارزیابی عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد. حاصل کار کمیته بال پس از تدوین موافقت‌نامه‌های مختلف در راستای کاهش ریسک‌های بانکی به تدوین موافقت‌نامه نوین کفایت سرمایه در سال ۲۰۰۱ میلادی منجر شد.^۱ در چارچوب اصلاحی مذکور ضمن حفظ و ابقاء عناصر کلیدی قانون کفایت سرمایه سال ۱۹۸۸ از جمله «نگهداشتن سرمایه‌ای معادل حداقل ۸ درصد دارایی‌های موزون شده‌ی با ریسک» نگرشی مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی (IRS)^۲ معرفی شده است که نسبت به آیین‌نامه ۱۹۸۸ حساسیت بیشتری نسبت به ریسک دارد. طبق این دیدگاه بانک‌ها موظف هستند که خود به ارزیابی و محاسبه ریسک‌های مورد مواجهه از طریق سیستم‌های داخلی پرداخته و نظارت دقیقی بر این ریسک‌ها را اعمال نموده تا بتوانند با نگهداری سرمایه کافی خود را در مقابل ریسک‌های در معرض، محافظت نمایند. هم‌اینک این رهیافت در بانک‌های متعددی در سطح جهان در حال اجراست و می‌توان این مدل را برای کنترل ریسک ترازنامه منحصر به فرد بانک‌های اسلامی نیز توسعه داد.

^۱ Bank for International Settlements 2005

^۲ internal rating system

۱-۲- عناصر مهم در IRS

در رهیافت IRS به چند عنصر مهم توجه می‌شود:

- ۱- اجزای ریسک^۱: تخمین پارامترهای ریسک توسط بانک‌ها که برخی از آنها توسط ناظران تخمین زده می‌شود.
- ۲- توابع وزنی ریسک^۲: ابزاری که به وسیله آن اجزای ریسک به دارایی‌های موزون شده به ریسک و در نتیجه الزامات سرمایه‌ای تبدیل می‌شود.
- ۳- حداقل الزامات^۳: حداقل استاندارد که بایست توسط بانک‌ها طی این رهیافت به اجرا درآید.

۲-۲- محاسبه نسبت سرمایه متناسب با عقود در بانک اسلامی

IRS در حقیقت مدیریت دارایی‌های موزون به کمک ریسک است. برای محاسبه نسبت ذخیره سرمایه مورد نیاز باید اجزاء ریسک را در تابع وزنی ریسک قرار داد. اجزاء ریسک مورد نظر به شرح ذیل‌اند:

- ارزش کل عقود و قراردادهای داخل پرتفوی،
- (EAD)^۴: میزانی از مبلغ دارایی‌ها که در معرض ریسک نکول قرار دارد،
- (LGD)^۵: میزانی از EAD که در صورت رخ دادن نکول از دست می‌رود،
- WEIGHT: وزن و درجه ریسک دارایی‌ها،
- حداقل نسبت کفایت سرمایه، مصوب کمیته بال که معادل ۸٪ است.

بدین ترتیب تابع وزنی ریسک عبارت خواهد بود از:

$$\text{نسبت ذخیره سرمایه مورد نیاز} = V * EAD * LGD * W * 8\%$$

هریک از اجزاء پرتفولیو بانک، یک عقد یا قرارداد فقهی است و به تناسب از درجه‌ای از ریسک برخوردار است. آن گونه که پیشتر گفته شد، مجموع عقود قابل استفاده در عملیات بانکی را می‌توان در قالب چهار دسته کلی شناسایی نمود. عقود مشارکتی در این میان از بالاترین ریسک و البته بیشترین بازدهی برخوردارند و در مقابل عقود مبادله‌ای دارای ریسک نسبی پایین‌تری هستند، بنابراین ترتیب طیفی از عقود مختلف با ریسک‌های متفاوت را می‌توان درجه‌بندی و مرتب نمود.

¹ risk components

² risk-weight functions

³ minimum requirements

⁴ exposure-at- default

⁵ loss given a default

مقادیر ذیل در جریان یک تحقیق برای ریسک قراردادهای اسلامی حاصل و این عقود رتبه‌بندی گردیدند^۱:

۳.۶۹	- قرارداد مشارکت
۳.۳۳	- قرارداد مشارکت تناقصی
۳.۲۵	- قرارداد مضاربه
۳.۲۰	- قرارداد سلف
۳.۱۳	- قرارداد استصناع
۲.۶۴	- قرارداد اجاره
۲.۵۶	- قرارداد مرابحه

پژوهش بالا را بانک توسعه اسلامی به سرپرستی اندیشمند پاکستانی «طریق‌الله‌خان» با هدف شناسایی جنبه‌های مختلف ریسک و مدیریت آن در بانک‌های اسلامی به انجام رساند. برای این منظور ۶۸ بانک و مؤسسه اسلامی از ۲۸ کشور مورد سوال قرار گرفتند که از این میان ۱۷ مؤسسه پاسخ‌های خود را برای تیم تحقیقاتی ارسال کردند و پاسخ‌های ۱۵ مؤسسه قابل استناد و اتکا شناخته شد که لیست این مؤسسه‌ها به شرح جدول (۱) هستند.

¹ Khan and Ahmed (2001)

جدول ۱: فهرست نام موسسات و کشور آنها

کشور	نام مؤسسه
بحرین	بانک اسلامی ABC
امارات	بانک اسلامی ابوظبی
هند	مؤسسه مالی - سرمایه گذاری اسلامی الامین
بنگلادش	بانک البرکة
بحرین	بانک اسلامی البرکة
پاکستان	بانک سرمایه گذاری المیزان
روسیه	بانک بدر فوریت
بحرین	بانک اسلامی بحرین
مالزی	بانک اسلامی «برهد» مالزی
بحرین	بانک سرمایه گذاری اسلامی سیتی
بحرین	بانک سرمایه گذاری اسلامی پیشتاز
بحرین	بانک سرمایه گذاران
بنگلادش	بانک اسلامی بنگلادش
عربستان	بانک توسعه اسلامی
ترکیه	مؤسسه مالی (کویتي-ترکی) اوکاف
بحرین	بانک شمیل
سودان	بانک اسلامی تادامون

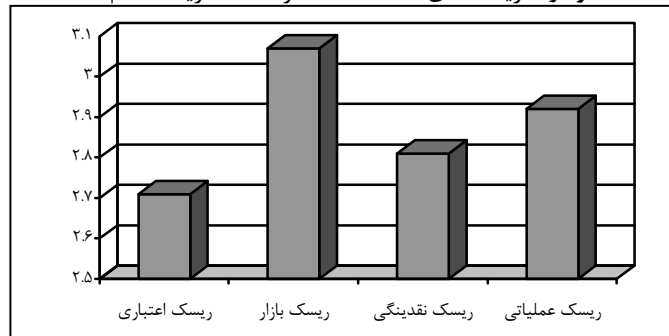
در بخش قبل که به انواع ریسک‌های مترتب بر بانک و ریسک خاص عقود اسلامی اختصاص داشت، این پرسش مطرح شد که اهمیت و شدت تأثیر ریسک‌های چهارگانه موردنظر، در حالت کلی و در ارتباط با هر یک از ابزارهای ذکر شده، بر مؤسسه شما چه میزانی است؟ (به جدول ۲ توجه کنید).

جدول ۲: امتیازدهی تأثیر ریسک‌های چهارگانه بر انواع قراردادهای

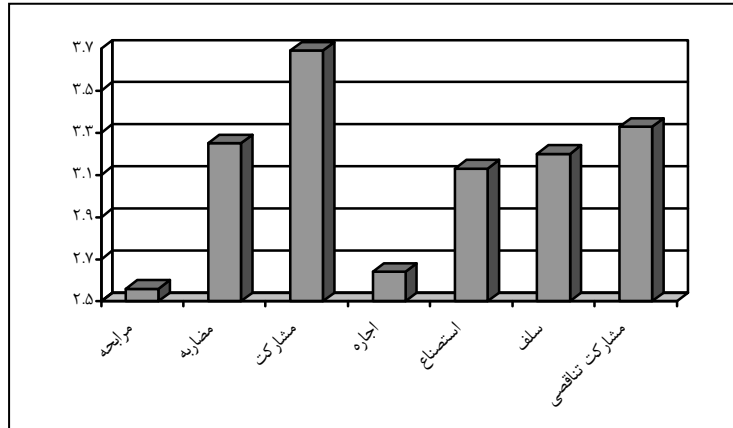
تأثیر ناچیز ←	تأثیر شدید				
	۵	۴	۳	۲	۱
ریسک.... (ریسک‌های ۴ گانه)					
۱- درحالت عام					
۲- مزایجه					
۳- مضاربه					
۴- مشارکت					
۵- اجاره					
۶- استصناع					
۷- سلف					
۸- مشارکت تناقصی					

همان‌طور که مشهود است با کمک اعداد طیف لیکرت (۱ تا ۵) مقادیری کمی، متناظر با هر گزینه و با توجه به شدت تأثیر آن بر ریسک بانک حاصل گردیده است. این سوال برای ۴ دسته از ریسک‌های با اهمیت و عمده مترتب بر بانک‌ها (اعتباری، نقدینگی، بازار و عملیاتی) تکرار گردید و نتایج نشان داده شده در نمودارهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) حاصل شد.

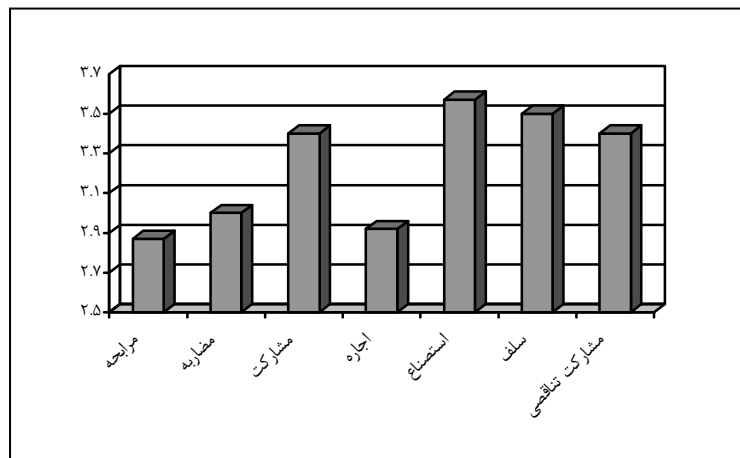
نمودار ۱: ریسک‌های ۴ گانه عمده در صنعت (ریسک عام)



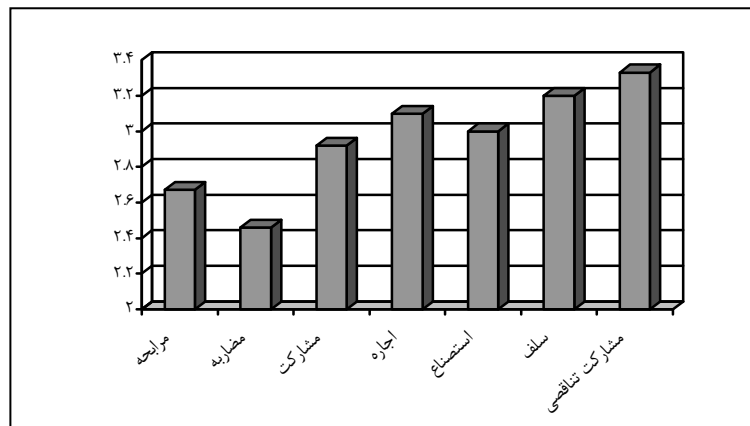
نمودار ۲: میزان ریسک اعتباری قراردادهای مختلف



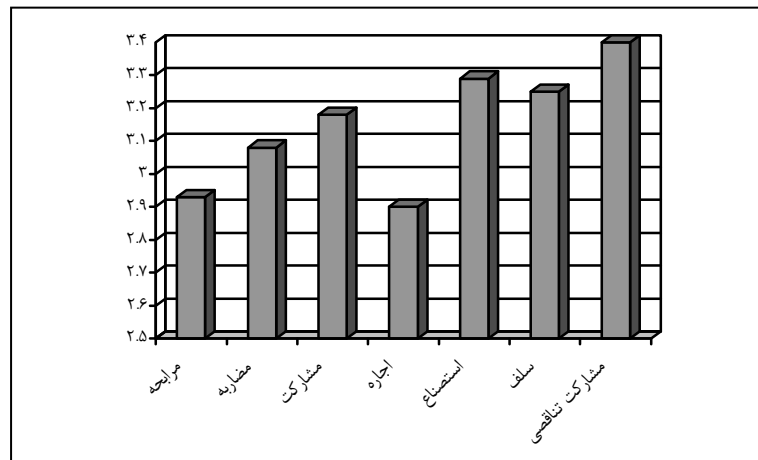
نمودار ۳: میزان ریسک بازار قراردادهای مختلف



نمودار ۴: میزان ریسک نقدینگی قراردادهای مختلف



نمودار ۵: ریسک عملیاتی قراردادهای مختلف



از میانگین داده‌های به‌دست‌آمده از ریسک‌های چهارگانه مرتبط با قراردادها (نمودارهای ۲ تا ۵)، ریسک نهایی عقود (که بیشتر و در مقیاس لیکرت گزارش شده‌اند) به‌دست آمد و با معادل قرار دادن کم‌ریسک‌ترین این قراردادها با عدد یک، مبنایی برای وزن‌دهی به سایر قراردادها فراهم شد. در این چارچوب مرابحه به‌عنوان قراردادی کم‌ریسک از دسته قراردادهای مبادله‌ای (تحقق انتفاع در قراردادهای مبادله‌ای حتمی است، اما در قراردادهای مشارکتی انتظاری است) در نظر گرفته شد. این قرارداد با نرخ‌های سود معین منعقد، و در مقابل آن وثیقه دریافت می‌شود. به

قرارداد مراحه با مشخصات ذکر شده $W=1$ نسبت داده شد و وزن سایر قراردادهای با آن تنظیم گردید. رتبه‌های حاصله در معادل‌سازی با قرارداد پایه (مراحه) وزن دهی شده و در نهایت در رابطه جایگزاری می‌شوند.

فرض‌هایی مثل $EAD=50\%$ و $LGD=50\%$ و با قراردادن وزن ریسک قراردادهای رتبه‌بندی شده در تابع وزنی ریسک ($V \cdot EAD \cdot LGD \cdot W \cdot 8\%$) نتایج درج‌شده جدول (۳) حاصل خواهد شد.

جدول ۳: رابطه ریسک‌های موجود در هر نوع قرارداد با میزان ذخیره‌ی سرمایه مورد نیاز

ذخیره سرمایه مورد نیاز و مرتبط	توزین ریسک قراردادها (W)	ریسک محاسبه شده به مقیاس لیکرت به درصد		نوع قراردادها
		۷۳,۸	۳,۶۹	
۲۸۸	144; w=1.44	۷۳,۸	۳,۶۹	مشارکت
۲۶۰	130; w=1.30	۶۶,۶	۳,۳۳	مشارکت تناقصی
۲۵۴	127; w=1.27	۶۵	۳,۲۵	مضاربه
۲۵۰	125; w=1.25	۶۴	۳,۲	سلف
۲۴۴	122; w=1.22	۶۲,۶	۳,۱۳	استصناع
۲۰۴	102; w=1.02	۵۲,۸	۲,۶۴	اجاره
۲۰۰	100; w=1	۵۱,۲	۲,۵۶	مراحه

با فرض ارزش ۱۰۰۰۰ (V) واحدهی مجموع دارایی‌ها

به این ترتیب، تناسب درجه‌ای از ریسک که هر یک از عقود اسلامی در پرتفولیو بانک دارند، مقادیری به منظور ذخیره‌گیری و کاهش ریسک مربوطه به‌دست می‌آید. مجموع این مقادیر نسبت کل ذخیره سرمایه مورد نیاز را برای مقابله با ریسک تعیین کرده و الگویی قابل استفاده برای مدیریت ریسک عقود اسلامی مطرح می‌گردد.

نتیجه‌گیری

به سبب ملاحظات و ویژگی‌های منحصر به فرد نظام مالی اسلامی، مؤسسات مالی و بانکداری اسلامی ناگزیر به ابداع و توسعه روش‌های نوین و متناسب برای مدیریت ریسک‌های مربوط اهتمام ورزند و مانع از آن شوند که در عصر رقابت شدید برای ارائه هرچه بهتر خدمات بانکی از رقیب پرسابقه خود عقب بمانند. سابقه کوتاه نظام بانکداری اسلامی که در عین حال بسیار درخشان هم بوده است از سه دهه تجاوز نمی‌کند و این مسأله این نظام را محتاج این

می‌سازد که نیم‌نگاهی نیز به شیوه‌های موفق به‌کار گرفته‌شده در نظام سنتی داشته و مواردی را که با شرع مقدس ناهمخوانی ندارد را به یکباره کنار نگذارد. رهنمودهای کمیته بال برای حمایت از بانک‌ها در برابر ریسک‌های متداول و تهدیدکننده در بسیاری موارد مؤثر و راهگشا هستند و می‌کوشند با تدابیری از جمله پیشنهاد نسبت کفایت سرمایه مناسب، نقش حمایتی و مشورتی خود را به نحو احسن انجام دهند. سیستم IRS که از نتایج اصلاحی و تکمیلی مصوبات کمیته بال در سال ۲۰۰۱ است، در نظر داشتن نسبتی قابل قبول را متناسب با دارایی‌های پرتفولیو بانک توصیه می‌نماید که این مطلب می‌تواند در کنترل ریسک پرتفولیو دارایی‌های یک بانک اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد. به این وسیله، با توجه به نداشتن بار ارزشی و عدم مغایرت با ملاحظات شرعی، سیستم IRS قابلیت آن را دارد تا مدیران بانک‌های اسلامی را برای کنترل ریسک پرتفولیو یاری رساند.

منابع و مآخذ

ایزدی، علی. ، "ربا چه بر سر اقتصاد جهان آورده است؟".

صالح آبادی، علی. و نجفی، مهدی، "اصول و مبانی بازارهای مالی اسلامی و درس‌هایی برای ایران (با ارایه تجربه کشورهای اسلامی)".

فتحی، سعید.، "ریسک مالی، شاخص‌سازی و اندازه‌گیری"، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶، اردیبهشت ۸۵.

موسویان، سیدعباس.، "قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا"، FARSNEWS.

"مدیریت ریسک جامع"، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۹، خرداد ۸۵.

Khan, T., 2004, "*RISK MANAGEMENT IN ISLAMIC BANKING (A conceptual framework)*".

Khan, T. and H. Ahmed 2001, "*Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry*".

Saunders, A. and M. Millon Cornett, " *Financial institutions management*", FOURTH EDITION (2003), Mc Graw- HILL).

Standard & Poor's, " *How to Build an Internal Rating System for Basel II*".

"International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards(A Revised Framework)", *Bank for International Settlements 2005*.

<http://www.ciena.ir/>

<http://www.sarmaye.com/archive/t-178.html>